

نقد باورداشت حاکمیت تفکر پدرسالاری بر آیات قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه محمد بامیه

حمیدرضا حاجی بابایی*
سیده فیروزه نورالدینی**

چکیده

از جمله شبهات مطرح ناظر به روح کلی حاکم بر آیات قرآن کریم، سیطره تفکر پدرسالاری در آیات اجتماعی است. یکی از مدخل‌های دایرةالمعارف لیدن که به این موضوع پرداخته، مدخل «پدرسالاری» اثر محمد بامیه، نویسنده و پژوهشگر در حوزه اسلام است. وی با هدف کشف دیدگاه قرآن مجید درباره پدرسالاری، اشارات قرآن به پدرسالاری را به سه موضوع نقش‌های اقتدار پدرسالارانه در مناسبات عادی اجتماعی، پدر به منزله شخصیت دینی آرمانی و صفات پدرسالارانه و الوهیت تقسیم می‌کند و با استناد به آیات قرآن و برخی منابع، نظراتی را در این سه بخش مطرح می‌نماید. پژوهش حاضر با هدف نقد چنین باورداشتی، به تبیین دیدگاه حقیقی قرآن نسبت به پدرسالاری، می‌پردازد. یافته‌ها حاکی است برتری و تبعیت محض که دو مؤلفه اصلی پدرسالاری در نگاه غربی است، در قرآن و اسلام جایگاهی ندارد و اسلام نسبت به مدیریت پدر در خانواده، دیدگاه مستقلی دارد که با توجه به دو مفهوم قوامیت و ولایت شکل می‌گیرد؛ در نتیجه مشخص می‌شود در مدخل مذکور علی‌رغم وجود برخی گزارش‌های صحیح، ادعاهای نادرستی، مانند مطلوب بودن پدرسالاری در قرآن کریم مطرح شده است که با استناد به آموزه‌های وحیانی رد می‌شود و مدخل مذکور به دلیل وجود اشکال‌هایی مانند برداشت‌های سطحی و نادرست از آیات، خلط مبحث و عدم استفاده مکفی از منابع معتبر اسلامی، دچار ضعف علمی است.

واژگان کلیدی

آیات اجتماعی، دایرةالمعارف لیدن، پدرسالاری، قوامیت، محمد بامیه.

طرح مسئله

دایرةالمعارف قرآن لیدن مشتمل بر هزار مدخل در موضوعات و اعلام قرآن مجید است که با کمک قرآن‌پژوهان مستشرق معاصر نگاشته شده است و سرپرستار آن ادعا کرده است تحقیقات این کتاب به صورت موشکافانه انجام شده است؛ با این حال این ادعا با عملکرد نویسندگان در برخی مقاله‌ها ناسازگار است.^۱ لذا این دایرةالمعارف مانند دیگر آثار خاورپژوهان، خالی از اشکال نبوده و نقدهایی بر آن وارد است؛ از سوی دیگر، از آنجا که نگاه مستشرقان به اسلام، کارآمدی لازم در به سعادت رساندن بشریت را ندارد و دارای نگاهی متفاوت به مبانی دینی هستند، نیز به‌منظور نشر حقیقت اسلام، لازم است این آموزه‌ها مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا سره از ناسره جدا شود.^۲ یکی از این مدخل‌ها، پدرسالاری است که توسط محمد بامیه در جلد چهارم این کتاب به چاپ رسیده است. نویسنده با مراجعه به آیات قرآن کریم تلاش کرده است تا دیدگاه قرآن را درباره پدرسالاری در سه محور نقش‌های اقتدار پدرسالارانه در مناسبات عادی اجتماعی، پدر به منزله شخصیت دینی آرمانی و صفات پدرسالارانه و الوهیت بررسی کند.^۳ تاکنون پژوهش مستقلی که این مدخل را نقد و بررسی کرده باشد، مشاهده نشده است ولی در ضمن پایان‌نامه «بررسی و نقد مدخل خانواده در **دایرةالمعارف قرآن لیدن** (با تأکید بر نظام پدرسالاری)» نوشته زینب خلیلی کورائیم و راهنمایی عیسی متقی‌زاده، اشاراتی به این مدخل شده است که به دلیل تمرکز اصلی پایان‌نامه بر مدخل خانواده، تنها در حد معرفی مدخل و مؤلف، به مدخل پدرسالاری پرداخته شده است و تنها اندکی روش و نحوه تدوین مدخل، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.^۴ اما نوشتار حاضر به صورت مستقل به این مدخل پرداخته است و با اشاره به محورهای اصلی مقاله، برخی ادعاهای مؤلف را از لحاظ ساختاری و محتوایی مورد نقد قرار می‌دهد؛ همچنین در کنار نقد و تحلیل مقاله پدرسالاری، دیدگاه اسلام را نسبت به مسئله پدرسالاری بیان می‌کند که تاکنون در پژوهش دیگری تا این حد مبسوط به این مسئله پرداخته نشده است.

گزیده‌ای از سوابق علمی محمد بامیه

محمد بامیه،^۵ یکی از خاورشناسان آمریکایی است که هم‌اکنون استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه

۱. رضایی اصفهانی، «بررسی دایرةالمعارف قرآن لیدن»، *قرآن پژوهی خاورشناسان*، ش ۲۵، ص ۷۰ - ۴۳.

۲. کریمی و فراستی، «نقد و تحلیل مقاله «عایشه» در دایرةالمعارف قرآن لیدن»، *قرآن پژوهی خاورشناسان*، ش ۲۵، ص ۱۲۴ - ۱۰۵.

۳. بامیه، «مدخل پدرسالاری»، *دایرةالمعارف لیدن*، ج ۴، ص ۳۳ - ۳۱.

۴. خلیلی کورائیم، «بررسی و نقد مدخل خانواده در دایرةالمعارف قرآن لیدن (با تأکید بر نظام پدرسالاری)»، *پایان‌نامه*، ص ۴۰.

5. Mohammed A. Bamyeh.

پیتسبورگ^۱ در ایالات متحده آمریکا است. وی مقطع کارشناسی را در رشته آمار و مقاطع ارشد و دکتری را در رشته جامعه‌شناسی در دانشگاه ویسکانسین مدیسون^۲ آمریکا به پایان رساند، سپس پژوهش‌های پس‌دکتری خود را در دانشگاه آزاد برلین آلمان^۳ و دانشگاه اوترخت^۴ هلند گذراند. وی، مسلط به زبان‌های انگلیسی، آلمانی، عربی و هلندی است و با زبان‌های فرانسه، اسپانیایی و آفریقایی آشنایی دارد. علایق پژوهشی او در حوزه‌های جنبش‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، جامعه‌شناسی تاریخی، تطبیقی و فرهنگی، جامعه‌شناسی دین، خاورمیانه، اسلام، جهانی شدن، استعمار و پسا استعمار، ناسیونالیسم و هویت جمعی می‌باشد و در این زمینه‌ها کتب و مقالات متعددی به چاپ رسانده است. یکی از فعالیت‌های پژوهشی محمد بامیه همکاری با *دایرةالمعارف قرآن لیدن* در نگارش مقاله «پدرسالاری» است که بررسی‌ها نشان می‌دهد تنها همین یک مقاله از ایشان در این دایرةالمعارف وجود دارد.^۵

محورهای مقاله

نویسنده در تعریف پدرسالاری می‌نویسد: «ساختار اجتماعی با مشخصه برتری پدر قبیله یا خانواده». پس از این تعریف مختصر، اشارات قرآن کریم به پدرسالاری را در سه مؤلفه موضوعی قرار می‌دهد که عبارتند از:

۱. نقش‌های اقتدار پدرسالارانه در مناسبات عادی اجتماعی؛ یعنی نقش‌هایی که به روش‌های مختلف مشخص شده‌اند؛

۲. پدر به منزله شخصیت دینی آرمانی، که در قصص و تمثیلات قرآنی مشابه با سنت کتاب مقدس بیان شده است؛

۳. پاسخ به این پرسش که آیا پروردگار از صفات پدرسالارانه برخوردار است یا خیر. بنابراین محورهای اصلی مقاله به شرح زیر تدوین شده است:

۱. اقتدار پدرسالارانه در مناسبات عادی اجتماعی

در این مدخل، پدرسالاری، موقعیت مطلوبی ذکر شده است که قرآن مجید بر آن تأکید کرده است ولی در عین حال برایش حد و مرز قرار داده است؛ سپس می‌گوید قرآن بارها از فرزندان هم‌ردیف با سایر وجوه ثروت دنیوی یاد می‌کند و به آیاتی از قرآن^۶ استناد کرده است.

1. University of Pittsburgh.

2. Wisconsin - Madison.

3. Free University of Berlin.

4. University of Utrecht.

5. https://www.sociology.pitt.edu/people/ant_7.

۶ آیات مورد استناد: آل عمران / ۱۰ و ۱۱۶؛ انفال / ۲۸؛ توبه / ۵۸ و ۶۹؛ مریم / ۷۷؛ سبأ / ۳۵.

او معتقد است ساختارهای خویشاوندی پدرسالارانه آشکارا برتر شمرده می‌شوند، نداشتن فرزند، به خصوص پسر، نشانه بدبختی است و در قصص پدرانی مثل زکریا یا ابراهیم خداوند با اهدای فرزندان پسر به پیروان پرهیزکار خود در سالخوردگی، زمانی که کاملاً ناامید شده بودند، سرشت مهربان خود را آشکار می‌سازد.^۱ سپس ادامه می‌دهد که البته خود محمد ﷺ وارث پسر نداشت و خداوند در قرآن به ازای این فقدان منزلت شایسته پدرسالاری اقامتگاهی ویژه در بهشت به پیامبر پاداش می‌دهد.^۲

از دیدگاه نویسنده اهمیت فرزند پسر همان‌طور که به صراحت درباره زکریا بیان شده، آشکارا به لزوم تضمین رفاه و آسایش خانواده بعد از درگذشت پدر مربوط است. وی بیان می‌کند که این وظیفه به صراحت در بسیاری از احکام مربوط به حرمت گذاشتن به پدر و مادر در متن قرآن بیان شده است.^۳ همچنین دغدغه‌هایی، به هنگام شرح تفصیلی نقش‌های اجتماعی پدرسالاری،^۴ در مباحث فقه خانواده از قبیل قوانین ارث، ازدواج، چندهمسری، حقوق و حق مالکیت اموال یتیمان به دقت بررسی می‌شود.

وی در ادامه می‌نویسد: گرچه این عبارتهای مهم سوره نساء به انحای مختلف قابل تفسیر است، درک آنها فقط در صورتی میسر خواهد بود که مفهوم پدرسالاری را نوعی سلطه بدانیم که نه صرفاً به دلیل امتیازی خاص، بلکه به واسطه مسئولیت‌های اجتماعی مجاز شده است. برای مثال، چندهمسری فقط در رابطه با لزوم حمایت از حقوق یتیمان مطرح می‌شود.^۵ به همین‌سان، احکام مربوط به برتری مرد نسبت به زن مشروط است به توانایی مرد در حفظ فضیلت بیشتر و پشتیبانی مستمر مالی از خانواده،^۶ مانند: مرد مجاز نیست زنش را از منزل بیرون کند، ترکش کند یا منزل مشترکشان را مطالبه کند، مگر آنکه دلیل موجهی داشته باشد، که غالباً آن را خیانت جنسی قابل اثبات (فاحشه) می‌دانند.^۷

نویسنده معتقد است قرآن ضمن تایید مالکیت زن، به صراحت مرد را از درخواست نامشروع ارث زن یا حتی مطالبه هدایای خود به همسرش منع می‌کند، چرا که همه اینها خودبه‌خود به اموال غیرقابل تعرض زن تبدیل می‌شوند.^۸ به‌طور کلی، از مردان انتظار می‌رود خشم خود را مهار کنند و در همه بحث‌ها

۱. آیات مورد استناد: مریم / ۷ - ۲؛ هود / ۷۳ - ۷۱.

۲. آیات مورد استناد: کوثر / ۳ - ۱.

۳. آیات مورد استناد: بقره / ۱۸۰؛ نساء / ۱۱؛ لقمان / ۱۴.

۴. آیات مورد استناد: نساء / ۴۲ - ۴۱، ۱۳۰ - ۱۲۷.

۵. مورد استناد: نساء / ۳.

۶. آیات مورد استناد: نساء / ۲۵ - ۲۴ و ۳۴؛ طلاق / ۶.

۷. آیات مورد استناد: نساء / ۱۶ - ۱۵؛ طلاق / ۲ - ۱.

۸. آیات مورد استناد: نساء / ۲۰ - ۱۹.

نقد باورداشت حاکمیت تفکر پدرسالاری بر آیات قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه محمد بامیه □ ۱۰۱

درباره پدرسالاری که تعهدات اجتماعی پس از ایمان را شرح می‌دهند، سلطه پدرسالارانه با توانایی مرد در حفظ عدالت خانواده و نیز تامین مخارج و نیکوکاری مسئولانه مرتبط است.

۲. پدر به منزله شخصیت دینی آرمانی

در این بخش از مقاله آمده است: پدرسالاری در قرآن به شکل آرمانی نیز مطرح شده است، که مستقیماً با ضروریات انتقال حکمت عام و دین صحیح مرتبط است. شخصیت نمونه در این زمینه لقمان حکیم است که در قصص مربوط به پدران پیش از اسلام مَثَل معروفی شده بود. وی به پسر خود توصیه می‌کند که یکتاپرستی را برگزیند، به پدر و مادر احترام بگذارد، با دیگران منصفانه رفتار کند، منشأ الهی حیات را قدر نهد و عبادت کند، ناملایمات را با شکیبایی تحمل کند و در سراسر زندگی ضمن حفظ فروتنی و حیا از خواری اجتناب ورزد.^۱

همچنین قرآن کریم به چند تن از پیامبران کتاب مقدس، مثل: ابراهیم، نوح، یعقوب، زکریا و دیگران اشاره می‌کند که عمدتاً در نقش انتقال‌دهنده ایمان توحیدی به پسران خود به‌طور خاص و به خویشان به‌طور عام انجام وظیفه می‌کردند.^۲

نویسنده در ادامه به این نکته اذعان می‌کند که البته اگر پدرسالاری انتقال‌دهنده حکمت «نادرست» باشد سلطه آن از بین خواهد رفت؛ برای مثال، قرآن بارها عبادت بدون تأمل و عادت‌های بت‌ها را تقیح می‌کند که عبادت‌کنندگان آنها معمولاً به این واقعیت استناد می‌کنند که اجداد پدری آنها نیز همین بت‌ها را پرستش می‌کردند.^۳

سپس این‌طور نتیجه می‌گیرد که این رویکرد دوگانه به پدرسالاری به مثابه وسیله‌ای برای اشاعه پیام الهی و نیز مانعی در مقابل آن نشان می‌دهد که مطابق با اصل پیشرفت در معرفت بشر، سلسله مراتب پدرسالاری حتی ممکن است، معکوس شود. این امر در گفته تعلیمی ابراهیم به پدرش نمایان است. ابراهیم ضمن ترک خانه از خداوند می‌خواهد که پدر بت‌پرستش را ببخشد.^۴ در یکی از سوره‌های متأخر قرآن نیز آمده است که ابراهیم طلب شفاعت برای پدر را رد می‌کند و از وی بیزار می‌جوید.^۵ در قصه یوسف، پسر پدر را راهنمایی می‌کند. این قصه با تصویری پیچیده پایان می‌یابد که

۱. آیات مورد استناد: لقمان / ۱۹ - ۱۳.

۲. آیات مورد استناد: بقره / ۱۳۵ - ۱۳۰؛ ابراهیم / ۳۷ - ۳۵.

۳. آیات مورد استناد: بقره / ۱۷۰؛ مائده / ۱۰۴ - ۱۰۱.

۴. آیات مورد استناد: مریم / ۴۲ - ۴۱؛ ابراهیم / آیه ۴۱.

۵. مورد استناد: توبه / ۱۱۴.

در آن یوسف پیامبر پدر و مادر خویش را بر تخت می‌نشاند و آنان نیز هم‌زمان در مقابل فرزند جوانشان به سجده می‌افتند.^۱

۳. صفات پدرسالارانه و الوهیت

در آخرین بخش از مقاله پدرسالاری به این مطلب اشاره می‌شود که قرآن کریم از همان نخستین آیات و در ادامه، همواره بر مفهوم‌سازی کاملاً انتزاعی از الوهیت تاکید می‌کند و این امر اسلام را از مسیحیت و نیز از الحاد پیش از اسلام متمایز می‌سازد. این مفهوم‌سازی مستلزم نفی این اعتقاد است که می‌توان خداوند را با ارجاع به واقعیات تجربی، از جمله مقام پدری، درک کرد. در واقع، یکی از نخستین تفاوت‌های اصلی کلامی بین اسلام و مسیحیت نکوهش مفهوم «خدای پدر» از جانب قرآن و اعلام صریح انسان بودن عیسی است، که فقط رسول قلمداد می‌شود، نه پسر خدا.^۲

همچنین این طرز تلقی در نبرد اولیه اسلام با شرک، که مشخصه‌اش رابطه مستقیم با الوهیت بود، نیز قابل مشاهده است. قرآن از همان ابتدا به عنوان قاعده‌ای منطقی تصریح می‌کند که مفهومی مقتضی درباره خدای متعال این است که نمی‌توان خدا را بر حسب روابط انسانی درک کرد. پس اگر خداوند جاویدان است، نمی‌تواند «زاده» شده باشد و اگر قادر مطلق است، نیازی ندارد که برای به وجود آوردن زندگی از شیوه‌های انسانی، مثل به دنیا آوردن فرزند^۳ پیروی کند، خداوند وجود را صرفاً از عدم پدید می‌آورد.^۴ بنابراین اگرچه صفات پدرسالارانه در چارچوب مناسبات و مسئولیت‌های اجتماعی و لوازم انتقال معرفت معنا دارند، هنگامی که برای خداوند به کار می‌روند، فقط مفهوم‌سازی لزوماً انتزاعی درباره خدا را تضعیف یا دچار تناقض می‌کند.

ارزیابی و نقد

۱. نقد اجمالی

یک. اشکال ساختاری

یکی از مشکلات مقاله، عنوان بندی بخش‌های مقاله است که نویسنده ادعا می‌کند اشارات قرآن مجید به پدرسالاری، در سه موضوع اصلی: نقش‌های اقتدار پدرسالارانه در مناسبات عادی اجتماعی، پدر به

۱. آیه مورد استناد: یوسف / ۱۰۰.

۲. آیات مورد استناد: نساء / ۱۷۱؛ مائده / ۱۷، ۷۵؛ توبه / ۳۰؛ مریم / ۳۵ - ۳۴، ۹۳ - ۸۸؛ توحید / آیات ۳ - ۱.

۳. آیات مورد استناد: توحید / ۴ - ۱.

۴. آیات مورد استناد: مریم / ۳۵؛ نحل / ۴۰؛ غافر / ۶۸.

منزله شخصیت دینی آرمانی و صفات پدر سالارانه و الوهیت بیان شده است. تقسیمی که برای نگاه قرآن کریم به پدرسالاری بیان شده است، بیشتر از اینکه پدرسالاری را به تصویر بکشد، بیان تصویرهایی از پدر در قرآن، فارغ از سالار بودن او است، ولی نویسنده تلاش کرده آنها را بر نگاه قرآن به پدرسالاری منطبق کند، درحالی که پدرسالاری ترکیبی از دو واژه پدر و سلطه است^۱ و با مفهوم پدر به تنهایی تفاوت دارد. در اینجا بهتر بود پس از مشخص کردن ابعاد مختلف مسئله پدرسالاری، دیدگاه قرآن مجید در رد یا پذیرش هر قسمت بیان می‌شد.

دو. تبیین ناقص مفهوم «پدرسالاری»

تعریفی که نویسنده از پدرسالاری ارائه می‌دهد تعریفی مختصر و از نگاه غرب است، سپس بدون بیان دیدگاه اسلام و قرآن نسبت به آن، وارد بحث اشارات قرآن به این مسئله می‌شود و با برداشتی سطحی از آیات، پدرسالاری را مطلوب قرآن کریم می‌داند. این در حالی است که اگر تعریف ذکرشده مورد تأیید قرآن نباشد، مبنا قرار دادن آن تعریف برای ورود به قرآن و بلافاصله تأیید آن درست نمی‌باشد، بلکه قضاوتی نادرست بر پایه پیش فرضی اشتباه است.

سه. خلط مبحث

عدم تبیین مفهوم پدرسالاری به صورت کامل و همچنین عدم بیان دیدگاه واقعی اسلام در این زمینه، باعث شده نویسنده دچار خلط مبحث شود و مطالبی را بیان کند که ارتباطی با پدرسالاری و شئون آن ندارد. در بخش‌هایی از مقاله مضامینی کنار هم قرار گرفته که پشتوانه فکری آن و ربطش به موضوع مورد بحث بیان نشده است. مثلاً می‌نویسد: قرآن بارها از فرزندان هم‌ردیف با سایر وجوه ثروت دنیوی یاد می‌کند و به آیاتی از قرآن استناد می‌کند، درحالی که این مطلب ذیل مفهوم پدرسالاری قرار نمی‌گیرد و بحثی مستقل از این مسئله است و به وضوح خلط مبحث شده است، ضمن اینکه بیان خواهد شد، این برداشت نویسنده از آیات نادرست است.

چهار. تتبع ناقص

یکی از مؤلفه‌های ارزش یک پژوهش علمی، میزان مستند بودن مطالب به منابع معتبر است و تحقیق درباره معارف و اندیشه‌های یک دین، قطعاً باید متکی بر کتاب‌های معتبر و پذیرفته شده پیروان آن دین باشد.^۲ از همین‌رو نگارش یک مقاله در فضای جهان اسلام، نیازمند استناددهی به مکتوبات معتبر هر دو

۱. لیدل، فرهنگ لغت یونانی - انگلیسی، ج ۲، ص ۱۳۴۸.

۲. مؤدب و موسوی مقدم، «نقد دائرةالمعارف قرآن لیدن بر اساس آراء و مبانی شیعه»، شیعه‌شناسی، ش ۲۳، ص ۱۴۴ - ۱۰۵.

مذهب شیعه و اهل سنت است. محمد بامیه در تألیف این مقاله از چهار منبع به عنوان منابع اولیه و اصلی و دو منبع به عنوان منابع ثانویه و فرعی استفاده کرده است. سه منبع از منابع اصلی، تألیف علمای اهل سنت هستند؛ این منابع عبارتند از: کتاب *فقه النساء فی الزواج والعشرة والنشوز والطلاق* از ابن تیمیه، عالم حنبلی مذهب، کتاب *النفقات* تألیف علی بن محمد ماوردی از علمای مذهب شافعی^۱ و *بر الوالدین* اثر ابوبکر محمد بن ولید بن خلف، معروف به ابوبکر طرطوشی، فقیه مالکی و چهارمین منبع اصلی در این مقاله رساله *الثبات فی ما علی البنین و البنات* اثری از المنصور بالله عبدالله بن حمزه از زیدیان طبرستان است.

یکی از دو منبع فرعی نیز، اثری از محمد شحرور نویسنده نواندیش سنی مذهب اهل سوریه^۲ به نام *نحو اصول جدیدة للفقہ الإسلامی و دیگری کتاب نقش‌های جنسیتی و ساختارهای خانواده در اسلام* از آنجلا دگان^۳ نویسنده و مستشرق آلمانی است.

با اندک تأملی در منابع مورد استفاده نویسنده در تدوین مقاله پدرسالاری، ضعف علمی مقاله مشخص می‌شود به این دلیل که:

اولاً از منابع شیعی، تنها یک منبع از فرقه زیدیه که از شاخه‌های شیعه به حساب می‌آید^۴ استفاده شده است و این در حالی است که مؤلف این منبع در سال ۵۹۳ ق ادعای امامت کرد و مردم را به خود دعوت نمود؛^۵

ثانیاً از منابع تفسیری معتبر اهل سنت نیز استفاده نشده است و همان‌طور که از اسم منابع اصلی پیداست، همه آنها، فقهی و اخلاقی هستند، این در حالی است که استفاده از منابع تفسیری معتبر سنی و شیعه از ضروریات و بدیهیاتی است که یک پژوهشگر قرآنی باید به آن توجه کند و اگر این پژوهشگر یک مستشرق باشد این ضرورت دوچندان می‌شود. همچنین با وجود منابع معتبر شیعه و سنی، به نظر می‌رسد استناد به آثار فردی مانند ابن تیمیه، برای تبیین معارف قرآن کریم نادرست است؛ زیرا وی، دارای عقاید انحرافی در مسائل اساسی اسلام مانند تشبیه و تجسیم برای ذات خداوند^۶ بود و فتاوی انحرافی

۱. نوری، *تکارش‌ها و گرایش‌های سیاسی ماوردی*، ص ۲۲۲ - ۲۰۷.

۲. معتمد لنگرودی و فتاحی‌زاده، «ارزیابی دیدگاه محمد شحرور در مبانی فهم و تفسیر قرآن کریم»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۹۴، ص ۶۶ - ۴۵.

3. Angela Degand.

۴. مازندرانی، *منتهی المقال*، ج ۷، ص ۳۵۵.

۵. سبحانی، *فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی*، ج ۷، ص ۲۲۶.

۶. دوخی، *منهج ابن تیمیه فی التوحید*، ص ۲۸.

نقد باورداشت حاکمیت تفکر پدرسالاری بر آیات قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه محمد بامیه □ ۱۰۵

زیادی، مانند تحریم توسل به پیامبر اکرم ﷺ و تحریم سفر برای زیارت آن حضرت، صادر کرده بود از این رو، آراء و فتاوی او نزد مسلمین ارزشی ندارد.^۱

ثالثاً، استناد به آثار مستشرقان غربی برای اظهار نظر در مورد معارف قرآن مجید نیز صحیح نمی‌باشد و نمی‌توان نام چنین مقاله‌هایی را تحقیق علمی گذاشت بلکه نقل‌نامه‌ای هستند که از دیگر صاحب‌نظران وام گرفته شده‌اند.^۲

پنج. طرح ادعاهای بدون دلیل و سند

نویسنده برخی ادعاها را مطرح کرده است که نشان‌دهنده پیش‌فرض‌های ذهنی اوست، زیرا هیچ دلیل واضحی برای آنها ذکر نمی‌کند، مثلاً ادعا می‌کند که پدرسالاری یک موقعیت مطلوب و مورد تأکید قرآن مجید است و بدون ذکر دلیلی برای این مدعا، مطلب را ادامه می‌دهد، یا در جایی دیگر، از نظر قرآن کریم، نداشتن فرزند به‌خصوص فرزند پسر را نشانه بدبختی می‌داند و ادعا می‌کند که ساختارهای خویشاوندی پدرسالارانه آشکارا برتر شمرده می‌شوند، ولی مستند آن را ذکر نمی‌کند. در بخش اشکال‌های محتوایی، بطلان این ادعاها بررسی خواهد شد.

۲. نقد تفصیلی

یک. تعریف پدرسالاری

«پدرسالاری» در لغت، از واژه «پدر» مشتق می‌شود که به‌معنای «مثل یک پدر رفتار کردن» یا «با شخص دیگری مثل یک بچه رفتار کردن» است.^۳ این واژه در لغت غرب، به‌معنای «حکومت پدر» است^۴ و از واژه یونانی «پاتریارکیس»^۵ یعنی «پدر یا رئیس یک نژاد»، می‌آید^۶ که ترکیبی از «پاتریا»^۷ یعنی «نسب، خانواده، وطن» از طرف «پاتر»^۸ (پدر) و «آرکه»^۹ یعنی «سلطه، اقتدار، حاکمیت» است.^{۱۰}

۱. حسینی میلانی، *الرد علی ابن تیمیة فی الشفاعة و الزیارة و الاستغاثة*، ص ۷۷.

۲. مؤدب و موسوی‌مقدم، «نقد دائرةالمعارف قرآن لیدن براساس آراء و مبانی شیعه»، *شیعه‌شناسی*، ش ۲۳، ص ۱۴۴ - ۱۰۵.

۳. عمید زنجانی، *دانشنامه فقه سیاسی مشتمل بر واژگان فقهی و حقوق عمومی*، ج ۱، ص ۴۴۲.

۴. فرگوسن، *دایرةالمعارف مطالعات زنان*، ج ۲، ص ۱۰۴۸؛ گرین، *ایدئولوژی پدرسالارانه مادری*، ج ۱، ص ۹۶۹.

۵. *πατριάρχης* (patriarkhēs).

۶. هارپر، *دیکشنری ریشه‌شناسی آنلاین*، ۲۰۰۰.

۷. <https://www.etymonline.com/word/patriarchy>.

۸. Patria.

۹. *πατήρ* (patēr).

۱۰. لیدل، *فرهنگ لغت یونانی - انگلیسی*، ج ۲، ص ۱۳۴۸.

۱۱. *ἀρχή* (arkhē).

۱۲. همان: ج ۱، ص ۲۵۲.

پدرسالاری در اصطلاح، الگویی از نظام اجتماعی است که در آن، پدر، رئیس خانواده و صاحب اختیار همسر و فرزندان است و نسبت فرزند و خانواده به او می‌رسد و همچنین به این معناست که پیشوایی و مدیریت جامعه با مردان است.^۱ این اصطلاح، بر انواع رابطه سلطه‌گری و ظلم یک فرد بر فرد یا افراد دیگر اطلاق می‌شود و به اشکال مختلف در جامعه یا خانواده نمود دارد؛ ویژگی اساسی روانی - اجتماعی جامعه پدرسالار، سلطه پدر (پاتریارک^۲ یا پدرسالار) است که خانواده ملی و همین طور خانواده طبیعی حول محور او سازمان یافته است. به این طریق بین حکمران و توده مردم و بین پدر و فرزند تنها روابط عمودی وجود دارد. اصطلاح پدرسالاری به قدرت‌نمایی پدر در شکل بیولوژیکی یا اجتماعی در سطح خانواده یا مرد در مقابل زن یا پدر در شکل سیاسی اشاره دارد.^۳

در مدخل پدرسالاری، نویسنده همسو با تعاریف غربی، آن را یک ساختار اجتماعی می‌داند با مشخصه برتری پدر قبیله یا خانواده و با همین پیش‌فرض، وارد فضای قرآن کریم می‌شود و درصدد اثبات و ذکر مصادیقی از آن در قرآن برمی‌آید. در واقع وی در صدد است دیدگاه اسلام را با پدرسالاری غربی همسو نشان دهد و البته با ذکر برخی قیود، نوعی پدرسالاری اسلامی را در قرآن مجید اثبات کند، درحالی که بیان خواهد شد، این واژه معادل یکسانی در اسلام و قرآن کریم ندارد. بنابراین ایشان در همان ابتدای مقاله دچار خطایی می‌شود که نقد جدی بر آن وارد است.

دو. دیدگاه اسلام و قرآن مجید در خصوص مفهوم پدرسالاری

به‌طور کلی، از مجموع تعاریفی که در باب پدرسالاری وجود دارد، می‌توان دریافت که در نظام پدرسالاری، برتری و سلطه از هر جهت، به مردان داده می‌شود و کسی که در جایگاه پدر قرار می‌گیرد، صاحب اختیار همسر و فرزندان خویش است و باید بی‌قید و شرط مورد تبعیت زبردستان قرار بگیرد. بنابراین، تعریف پدرسالاری دو مؤلفه اصلی دارد که باید نگاه اسلام به آنها دانسته شود تا بتوان دیدگاه اسلام درباره پدرسالاری را بیان کرد؛ آن دو مؤلفه عبارتند از: برتری مرد در جایگاه پدر و تبعیت محض از پدر.

در ابتدا باید گفت این مفهوم در پدرسالاری، که برتری گروهی بر گروه دیگر را القا می‌کند، در جامعه‌شناسی مطابق با تعالیم اسلامی، وجود ندارد، زیرا لازمه چنین فرضی، این است که کرامت مرد با عنوان پدر، بالاتر از دیگران معرفی شود، درحالی که در آیات مختلف قرآن کریم^۴ کرامت، خصیصه‌ای

۱. جانب الهی، «مدخل پدر سالاری»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ۱۳۹۸.

2. patriarch.

۳. حاج هاشمی، «از خود بیگانگی زن در جامعه پدرسالار در داستان‌های کوتاه زویا پیرزاد و هیفاء بیطار»، *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*، ص ۶۲ - ۴۳.

۴. اسراء / ۷۰؛ انعام / ۱۶۵؛ تین / ۴؛ ص / ۷۱.

نقد باورداشت حاکمیت تفکر پدرسالاری بر آیات قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه محمد بامیه □ ۱۰۷

سرشتی دانسته شده که جنسیت و جایگاه مادی، تاثیری در آن ندارد، زیرا آنچه حقیقت انسان را تشکیل می‌دهد «روح ملکوتی» اوست که منزّه از جنسیت^۱ و موقعیت مادی است و تنها مقیاس برتری این روح ملکوتی نیز تقواست.^۲

مؤلفه دوم نیز در اسلام پذیرفته شده نیست، زیرا قرآن مجید به صراحت، مردم را به خاطر تبعیت کورکورانه از پدران، توبیخ می‌کند؛^۳ در نگاه اسلام، یک فرد معتقد و مسئول نمی‌تواند پدری را که کفر را بر ایمان اختیار می‌کند، به عنوان سرپرست بگیرد،^۴ از این رو قرآن کریم مردم را از ولایت‌پذیری پدران کافر نهی می‌کند؛^۵ پس مشخص می‌شود در مسئله ولایت و سرپرستی در اسلام، عقیده، قبل از نسبت پدر و فرزندی قرار دارد و تبعیت محض به این معنا که پدر صاحب الاختیار تامه برای خانواده‌اش باشد، نیز در اسلام منتفی است.

بنابراین نتیجه چنین است که نمی‌توان در اسلام برای واژه پدرسالاری - که در غرب شکل گرفته و تعریف شده است - معادل یکسانی یافت. در عوض، اسلام به جهت تحکیم چارچوب و تنظیم روابط درون خانواده^۶ و در نتیجه آن، ایجاد یک نظام اجتماعی سالم، در کنار سایر دستورات اسلامی، مسئله قوامیت مرد بر زن^۷ و ولایت پدر بر فرزند^۸ را مطرح نموده است.

مفهوم قوامیت به مدیریت اجرایی مربوط می‌شود و اینگونه نیست که برای مرد، برتری به حساب آید، بلکه تنها یک کار اجرایی و از باب وظیفه است، نه فضیلت.^۹ از سوی دیگر تسلط مرد بر زن، یک سلطه مطلق نیست، به گونه‌ای که همسر او هیچ‌گونه اراده و اختیاری از خود نداشته باشد، بلکه مراد این است که مرد به نحو تعریف‌شده و مشخص، سرپرستی زن را به عهده دارد^{۱۰} و اجازه تخطی از دستورات اسلام در این زمینه را ندارد.

در باب مسئله ولایت پدر بر فرزند نیز باید گفت ضروری آن است که مصلحت فرد قرار گرفته در

۱. جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۵۶۵.
۲. حجرات / ۱۳.
۳. بقره / ۱۷۰، مائده / ۱۰۴.
۴. قرشی بنابی، تفسیر احسن الحدیث، ج ۴، ص ۲۰.
۵. توبه / ۲۳.
۶. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۰.
۷. نساء / ۳۴.
۸. بقره / ۲۳۷.
۹. جوادی آملی، زن در آئینه جمال و جلال، ص ۶۷.
۱۰. مغنیه، تفسیر کاشف، ج ۲، ص ۴۹۷.

زیرمجموعه این ولایت، حفظ شود؛^۱ این واژه در موارد به کار رفته دارای دو مشخصه است: ۱. ملازم با حق است و ۲. سرپرسی به نفع مولی علیه است (در اینجا فرزند)، بنابراین ولایت به معنای سلطه انتفاعی به نفع صاحب حق نیست، بلکه نفع‌رسانی به مولی علیه است.^۲

باید دانست اصل اولی عقلی، عدم ولایت هر انسانی بر دیگری است و طبق این اصل، انسان به موجب وضع قوانین توسط خود، نمی‌تواند دیگران را به اطاعت الزام نماید، مگر آنکه از ناحیه خدای متعال چنین حقی به کسی داده شود.^۳ این مولویت از ناحیه خدا برای برخی که واجد صلاحیت‌های لازم هستند؛ یعنی انبیا و اولیاء و جانشینان اولیاء و هر کسی که خداوند برای او ولایتی ثابت کند، مانند ولایت پدر بر فرزند، قرار داده شده و از جهت سعه و ضیق تابع جعل خدای متعال است؛ یعنی محدوده این قسم از مولویت را خدای تبارک و تعالی تعیین می‌کند.^۴

بنابراین آنچه در اسلام مورد توجه است این است که مدیریت خانواده بر عهده پدر است و سایرین تحت ولایت پدر هستند، اما چند شاخصه برای این مسئله وجود دارد که آن را از پدرسالاری در معنای غربی متمایز می‌کند:

۱. برتری و افضلیت ذاتی برای جایگاه وجود ندارد؛

۲. محدوده این مدیریت تعریف شده و مشخص است؛

۳. این مدیریت باید ملازم با حق و رعایت مصلحت باشد.

با توجه به آنچه گفته شد، معلوم می‌شود، تعریف اسلام از مدیریت پدر با آنچه در جوامع غربی با عنوان پدرسالاری مشهور شده، متفاوت است.

سه. اقتدار پدرسالارانه در مناسبات عادی اجتماعی

الف) نقد ادعای مطلوب بودن موقعیت پدرسالاری از نظر قرآن کریم

نویسنده، پدرسالاری را موقعیت مطلوبی می‌داند که قرآن مجید بر آن تأکید کرده است، اما در عین حال برایش حد و مرزی قرار داده است. ادعای تأکید قرآن کریم بر مطلوب بودن موقعیت پدرسالاری با توجه به مطالب پیش گفته، باطل است. افزون بر آن می‌توان گفت، در اسلام و قرآن کریم، هیچ مقام و قدرت دنیایی به خودی خود مطلوب نیست، بلکه قرآن مجید به صراحت افراد را از دنیاپرستی و ریاست‌طلبی برحذر

۱. جمعی از محققان، *دانشنامه امام خمینی*، ج ۲، ص ۶۱۲

۲. علی‌نوری، *کلیات فقه اسلامی*، ص ۱۳۵.

۳. عامری، «دله و مبانی ریاست مرد بر خانواده از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی»، *گفتمان فقه و حقوق*، ش ۱، ص ۱۱ - ۳۵.

۴. نورمفیدی، *بررسی نظریه حق الطاعه*، ص ۲۷.

می‌دارد؛^۱ در روایات نیز انسان ریاست‌طلب ملعون شمرده شده^۲ و ریاست‌طلبی امر بسیار مضر برای دین انسان دانسته شده است.^۳ بنابراین می‌توان گفت ریاست تنها در صورتی مورد تأیید است که مورد رضای خدا و در راستای اهداف متعالی و رشد و تکامل انسان باشد، همچنین به وسیله‌ای برای برتری‌جویی و ظلم به زیردستان تبدیل نشود. پدرسالاری نیز از این قاعده مستثنا نیست و مطلوبیتی ندارد.

این عبارت که «برایش حد و مرز قرار داده است» یکی از قیودی است که شاید نویسنده در جهت متمایز نشان دادن پدرسالاری اسلامی از غربی آورده است، ولی همان‌طور که بیان شد اصل مفهوم پدرسالاری که در غرب شکل گرفته و تعریف شده است در اسلام معادل یکسانی ندارد، لذا نباید با افزودن قیودی، سعی در اسلامی کردن آن داشت، زیرا اسلام در این زمینه، دیدگاه مستقل خود را دارد. در ادامه نویسنده مدعی است که در قرآن کریم ساختارهای خویشاوندی پدرسالارانه آشکارا برتر شمرده می‌شوند. درحالی‌که این ادعا بدون مستند است و اشاره نشده که در کدام آیه، این ساختار برتر شمرده شده است. همان‌طور که اشاره شد، در اسلام و قرآن برای موقعیت پدرسالاری هیچ مطلوبیت ذاتی وجود ندارد و اگر مسئولیت و سرپرستی خانواده به پدر محول شده است، به خاطر وجود خصوصیات در مرد است که می‌تواند این وظیفه را انجام دهد.^۴

ب) نقد ادعای هم‌ردیف بودن فرزندان با سایر وجوه ثروت

نویسنده معتقد است که «قرآن بارها از فرزندان هم‌ردیف با سایر وجوه ثروت دنیوی یاد می‌کند» و به آیاتی از قرآن کریم استناد می‌کند. وی در حالی از این آیات در جهت تأیید پدرسالاری در قرآن استفاده کرده است که اولاً در آیات مورد استناد او، اموال و اولاد به عنوان فتنه^۵ معرفی شده‌اند که در آخرت نمی‌توانند مانع از عذاب کفار شوند^۶ و این مطلب با ادعای نویسنده که پدرسالاری را در قرآن یک موقعیت مطلوب می‌داند، همخوانی ندارد بلکه می‌توان گفت تضاد دارد، زیرا لحن این آیات لحن عتاب و تهدید است. ثانیاً خطاب در تمام این آیات، نوع بشر است و ارتباطی به جنسیت ندارد که بتوان آنها را تأیید پدرسالاری به عنوان یک موقعیت مطلوب دانست، اموال و اولاد همان‌طور که برای مرد وجود دارد برای زن هم وجود دارد.

۱. قصص / ۸۳.

۲. مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۷۰، ۱۵۱.

۳. همان: ج ۷۰، ص ۱۵۴.

۴. مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۳، ص ۳۷۰.

۵. انفال / ۲.

۶. آل عمران / ۱۰ و ۱۱۶؛ توبه / ۶۹ و ۸۵؛ مریم / ۷۷؛ سوره سبأ / ۳۵.

از سوی دیگر باید توجه داشت که خدای حکیم که قرآن را برای هدایت بشر نازل کرده به زبان عقلا و طبق اصول محاوره عقلایی سخن گفته است و متفرّع بر این اصل، این است که خدای متعال برای فهماندن مقاصد آیات قرآن، از همان روشی استفاده کرده که عقلا هم در مقام تفاهم استفاده می‌کنند، یعنی از همان صناعات عقلا استفاده کرده است،^۱ از همین رو، کنار هم آمدن اولاد با اموال در آیات قرآن، از این جهت نیست که اولاد هم‌ردیف با سایر دارایی‌های انسان است بلکه به این دلیل است که زبان قرآن، زبان عرف عام (عرف عقلاء) است؛ از آن جا که انسان‌ها غالباً به اموال و فرزندان خود برای حل مشکلات تکیه می‌کنند، قرآن این دو را در کنار هم آورده است و در واقع به شیوه معمول و رایج میان انسان‌ها اشاره کرده است.

در تحلیل این دسته از آیات باید گفت که مهم‌ترین سرمایه‌های مادی بشر دو چیز است، یکی نیروی انسانی است که به عنوان فرزندان ذکر شده است و دیگری سرمایه‌های اقتصادی^۲ و بقیه امکانات مادی از این دو سرچشمه می‌گیرند. قرآن کریم در صدد بیان این مطلب است که امتیازهای مالی و قدرت جمعی، به تنهایی در برابر خداوند، امتیازی محسوب نمی‌شود و در صدد بیان هم‌ردیفی فرزندان و ثروت‌های دنیایی نیست، آن‌طور که نویسنده برداشت کرده است.^۳

ج) نقد ادعای تأکید قرآن کریم بر بدبختی در صورت نداشتن فرزند به خصوص پسر

برخلاف ادعای نویسنده، در قرآن مجید بیان نشده است که نداشتن فرزند نشانه بدبختی است. قرآن داشتن فرزند را یکی از لوازم قدرت و حکومت می‌داند^۴ اما اینکه بیان شده باشد هر کس فرزند ندارد بدبخت است، نسبتی نارواست.

نویسنده در ادامه با استناد به آیاتی، ادعا کرده است که از سوی قرآن، به خصوص نداشتن فرزند پسر، نشانه بدبختی است و خداوند با اهدای فرزندان پسر به پیروان پرهیزکار خود در سالخوردگی، سرشت مهربان خود را نشان می‌دهد؛ در ابتدا این‌طور به نظر می‌رسد که همان‌طور که برتری مرد بر زن از شئون پدرسالاری در نظام غربی است، نویسنده در صدد اثبات این برتری در قرآن کریم است اما وقتی در ادامه، حضرت محمد ﷺ را به دلیل نداشتن فرزند پسر، فاقد منزلت شایسته پدرسالاری می‌داند، مشخص می‌شود، وی دچار خلط مبحث شده است، زیرا در مفهوم پدرسالاری اینکه فرزند دختر باشد یا پسر، تفاوتی ندارد.

۱. مصباح یزدی، *منطق فهم قرآن*، ص ۳۵ - ۲۷.

۲. رازی، *التفسیر الکبیر*، ج ۸، ص ۳۳۶.

۳. مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۳، ص ۵۹.

۴. اسراء / ۶.

نقد دیگر این است که اگرچه خداوند به حضرت زکریا و ابراهیم علیهم السلام فرزند پسر داده، ولی به حضرت عمران علیه السلام فرزند دختر داده و او را آیتی بزرگ برای اهل عالم قرار داد.^۱ بنابراین چنین نیست که قرآن فرزند پسر را ترجیح داده باشد.

از سوی دیگر، رحمت خدا دائمی و دارای ثبوت است،^۲ بنابراین همه افعال خدا از روی مهربانی و حکمت است؛ هم تأخیر در اعطای فرزند به انبیاء علیهم السلام از روی مهربانی بود و هم اعطای فرزند به آنها، و انبیاء علیهم السلام به این امر واقف بودند، لذا عبارت «سرشت مهربان خود را آشکار می‌سازد»، عبارت نادرستی است.

اما اینکه وی ادعا کرده است که خداوند به حضرت محمد صلی الله علیه و آله به خاطر نداشتن وارث پسر، و در ازای فقدان منزلت شایسته پدرسالاری، اقامتگاهی ویژه در بهشت به او پاداش می‌دهد و به سوره کوثر استناد می‌کند، افزون بر اینکه خلط مبحث شده، باید توجه داشت که بنا بر اعتقاد و با توجه به سیاق سوره کوثر، چنین به دست می‌آید که منظور از کوثر، کثرت ذریه‌ای است که خدای متعال به ایشان ارزانی داشته (و برکتی است که در نسل آن جناب قرار داده)، یا اینکه منظور، هم خیر کثیر است و هم کثرت ذریه، و چیزی که مسلم است، این است که کثرت ذریه یکی از مصادیق خیر کثیر است^۳ و واضح است که این کثرت ذریه پیامبر از جانب حضرت زهرا علیها السلام محقق شده است؛ این تحلیل نیز با ادعای نویسنده مبنی بر بدبخت شمردن کسی که فرزند پسر ندارد، منافات دارد.

اینکه نویسنده در تفسیر خیر کثیر، منظور واقعی آیه را متوجه نشده است، طبیعی است، چون برخی مفسران برای کوثر، مصادیق دیگری ذکر کرده‌اند، ولی اینکه او پیامبر اسلام را به خاطر نداشتن فرزند پسر، فاقد منزلت پدرسالاری می‌داند و این میزان از خلط مبحث، امری عجیب و دور از ذهن است.

این مطلب که: «اهمیت فرزند پسر همان‌طور که به صراحت درباره زکریا علیه السلام بیان شده آشکارا به لزوم تضمین رفاه و آسایش خانواده بعد از درگذشت پدر مربوط است»، نیز درست نمی‌باشد، زیرا نویسنده به خاطر آمدن قید «یرثی» در ادامه دعای حضرت زکریا علیه السلام برای درخواست فرزند،^۴ این برداشت را کرده است که برداشت درستی نیست. در تحلیل این آیات، باید گفت، اینکه حضرت زکریا علیه السلام فرمود: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا * يَرِثُنِي»^۵ مقصود اصلی و اولی از جمله «وَلِيًّا يَرِثُنِي» درخواست فرزند است، و اگر قید «یرثی» را اضافه کرده مقصود اصلی وی ارث بردن نبود، بلکه هدف این بود که کلمه

۱. انبیا / ۹۱.

۲. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱، ص ۱۸.

۳. همان، ج ۲۰، ص ۳۷۰.

۴. مریم / ۶ - ۵.

۵. مریم / ۶ - ۵.

«ولی» را که یک معنای عام و دارای مصادیق مختلفی است، تفسیر کند. بنابراین، عنایت اصلی متعلق به این است که درخواست فرزند را افاده کند، و مسئله وراثت مالی مقصود به قصد اولی نیست بلکه قرینه‌ای است که ولایت را - که دارای چند معنا است - در فرزند تعیین نماید.^۱

در ادامه، نویسنده با استناد به آیاتی از سوره نساء به این نتیجه می‌رسد که مفهوم پدرسالاری در قرآن کریم، نوعی سلطه است که نه صرفاً به دلیل امتیازی خاص، بلکه به واسطه مسئولیت‌های اجتماعی مجاز شده است؛ سپس مثال‌هایی می‌آورد که این مدعا را تایید می‌کند. در اینجا ضمن بیان این مطلب که سلطه پدر بر خانواده، یک سلطه مطلق نیست بلکه مقید به مصلحت خانواده است و پدر نمی‌تواند غیر از مصلحت را حکم دهد، به نظر می‌رسد نویسنده به نتیجه درستی رسیده است.

چهارم. پدر به منزله شخصیت دینی آرمانی

در این بخش از مقاله آمده که پدرسالاری در قرآن کریم به شکل آرمانی نیز مطرح شده است و به شخصیت لقمان حکیم و برخی از پیامبران اشاره می‌کند که منتقل‌کننده ایمان توحیدی به پسران خود به‌طور خاص و به خویشان به‌طور عام بوده‌اند؛ وی معتقد است اگر پدرسالاری انتقال‌دهنده حکمت نادرست باشد سلطه او از بین خواهد رفت و به آیاتی استناد می‌کند که بت‌پرستان را سرزنش می‌کند با توجه به اینکه آنها معمولاً به این واقعیت استناد می‌کردند که اجداد پدری‌شان نیز همین بت‌ها را پرستش می‌کردند.

در این بخش، مؤلف مطالب خوب و درستی بیان کرده که با دیدگاه اسلام موافق است و همان‌طور که اشاره شد، پدر نباید برخلاف مصلحت رفتار کند و اگر تصمیمات و دستوراتش بر خلاف ایمان و اسلام باشد و انسان را به سمت کفر بکشاند، نه تنها سلطه او از بین می‌رود و اطاعت از او واجب نیست بلکه حتی از دوستی با او نیز نهی شده است.^۲

در ادامه نویسنده به نحوه مواجهه حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت یوسف علیه السلام با پدران‌شان اشاره می‌کند و نتیجه می‌گیرد که سلسله مراتب پدرسالاری ممکن است معکوس شود. اگرچه نویسنده مطالب درستی را عنوان کرده ولی نتیجه‌ای که گرفته است مربوط به ولایت ظاهری و باطنی این افراد است^۳ که وقتی کسی به این مقام رسید دیگران (حتی پدر و مادر) تحت امر و سرپرستی وی قرار می‌گیرند؛ ضمن اینکه در مدخل پدرسالاری، آزر، پدر حضرت ابراهیم علیه السلام معرفی شده است ولی مطابق دیدگاه شیعه، آزر پدر حضرت ابراهیم علیه السلام نبود.^۴

۱. همان، ج ۱۴، ص ۱۴ - ۱۳.

۲. توبه / ۲۳.

۳. گرامی، *مذهب تشیع آئینده تاریخ بشریت*، ص ۱۰۲.

۴. مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۵، ص ۳۰۳.

پنج. صفات پدرسالارانه و الوهیت

در این بخش از مقاله نویسنده درصدد است که نظر قرآن کریم را در نسبت دادن موقعیت پدرسالاری به خدا بیان کند و معتقد است طبق آموزه‌های قرآن اگر صفات پدرسالارانه به خدا نسبت داده شود، مفهوم‌سازی انتزاعی درباره خدا را تضعیف می‌کند. وی با استناد به آیاتی، دیدگاه قرآن مجید را در منزله بودن خدا از صفات انسانی بیان می‌کند. مفهوم‌سازی انتزاعی درباره خدا به این معناست که اوصاف خدا، با تجرید ویژگی‌های محدودکننده آن مفهوم، به خدا نسبت داده می‌شوند،^۱ زیرا خداوند هیچ مثل ومانندی ندارد و نمی‌توان او را به کسی تشبیه کرد «أَيُّسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ».^۲

نویسنده به درستی دیدگاه قرآن مجید درباره صفات خدای متعال را گزارش کرده است و پدرسالاری را تضعیف‌کننده این معنا می‌داند. اگرچه مطالب درست و مطابق با معارف اسلام است ولی بیان این مطالب در ذیل مدخل پدرسالاری از دیدگاه نویسنده بوده و با توجه به مباحث مطرح شده، ارتباطی به مفهوم پدرسالاری ندارد.

نتیجه

مدخل پدرسالاری که درصدد کشف دیدگاه قرآن کریم نسبت به این مسئله است در سه محور اقتدار پدرسالارانه در مناسبات عادی اجتماعی، پدر به منزله شخصیت دینی آرمانی و صفات پدرسالارانه و الوهیت، به اختصار و با استناد به منابعی اندک و عمدتاً غیرشیعی تنظیم شده است. در هر کدام از این محورها، ادعاهایی مانند مطلوب بودن پدرسالاری، هم‌ردیفی اولاد با اموال، بدبختی در صورت نداشتن فرزند پسر و برخی ادعاهای دیگر مطرح شده است که با دلایل مستند رد می‌شوند. در واقع نویسنده در این مقاله سعی دارد مفهوم پدرسالاری را که برگرفته از جوامع غربی است و مرد را برتر از زن می‌داند، مورد تأیید قرآن بداند و در این راستا به آیات متعددی استناد می‌کند که در اکثر موارد یا برداشت او سطحی و نادرست بوده یا خلط مبحث صورت گرفته است. البته وی مطالب صحیحی را نیز گزارش می‌کند که موافق با دیدگاه قرآن کریم و اسلام است ولی برخی از آن مطالب، ذیل مفهوم پدرسالاری قرار نمی‌گیرد و نویسنده بنابر ذوق خود آنها را در بحث وارد کرده است، مانند گزارش این اعتقاد که نمی‌توان خداوند را با ارجاع به واقعیات تجربی درک کرد.

به‌طور کلی با وجود برخی مطالب صحیح در مقاله، به دلیل برداشت‌های نادرست از آیات، خلط مبحث

۱. مصباح یزدی، مجموعه کتب آموزشی معارف قرآن خداشناسی، ص ۱۴۲.

۲. شوری / ۱۱.

و استفاده نکردن از منابع معتبر و دست اول اسلامی، مقاله پدرسالاری دارای ضعف علمی است و دیدگاه نویسنده مبنی بر حاکمیت تفکر پدرسالاری بر آیات قرآن رد می‌شود.

منابع و مأخذ

الف) کتابها

قرآن کریم.

- جانب الهی، محمدسعید، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، «مدخل: پدرسالاری»، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۸ ش.
- جمعی از محققان، *دانشنامه امام خمینی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۴۰۰ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء، ۱۳۹۸ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *زن در آئینه جمال و جلال*، تحقیق و تنظیم محمود لطیفی، قم، تیان، ۱۳۸۷ ش.
- حسینی میلانی، علی، *الرد علی ابن تیمیة فی الشفاعة و الزیارة و الاستغاثة*، قم، الحقائق، بی تا.
- خلیلی کورائیم، زینب، «بررسی و نقد مدخل خانواده در دایرةالمعارف قرآن لیدن (باتأکید بر نظام پدرسالاری)»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، آمل، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ۱۳۹۵ ش.
- دوخی، یحیی عبدالحسین، *منهج ابن تیمیة فی التوحید*، تهران، مشعر، ۱۴۳۳ ق.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر / مفاتیح الغیب*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- سبحانی، جعفر، *فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی*، ترجمه علیرضا سبحانی، قم، توحید، ۱۳۹۳ ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۳۹۰ ق.
- علی نوری، علیرضا، *کلیات فقه اسلامی*، قم، یاقوت، ۱۳۸۳ ش.
- عمید زنجانی، عباسعلی، *دانشنامه فقه سیاسی (مشمول بر واژگان فقهی و حقوق عمومی)*، گردآورنده ابراهیم موسی زاده، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹ ش.
- قرشی بنابی، سید علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۵ ش.
- گرامی، محمدعلی، *مذهب تشیع آئینده تاریخ بشریت*، قم، دفتر معظم له، ۱۳۸۸ ش.
- مازندرانی حائری، ابوعلی، *منتهی المقال فی احوال الرجال*، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۶ ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام*، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ق.

نقد باورداشت حاکمیت تفکر پدرسالاری بر آیات قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه محمد بامیه □ ۱۱۵

- مصباح یزدی، محمدتقی، *مجموعه کتب آموزشی معارف قرآن؛ خدائشناسی*، تحقیق و بازنگری امیررضا اشرفی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۶ ش.
- مغنیه، محمدجواد، *تفسیر کاشف*، ترجمه دانش موسی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
- نورمفیدی، مجتبی، *بررسی نظریه حق الطاعة*، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۳۹۳ ش.

ب) مقاله‌ها

- حاج هاشمی، زهرا و دیگران، «از خود بیگانگی زن در جامعه پدرسالار در داستان‌های کوتاه زویا پیرزاد و هیفاء بیطار»، *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*، ش ۲۶، ص ۶۲ - ۴۳، کرمانشاه، دانشگاه رازی، ۱۳۹۶ ش.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، «بررسی دائرةالمعارف قرآن لیدن»، *قرآن پژوهی خاورشناسان*، ش ۱، ص ۷۳ - ۴۳، قم، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمیه، ۱۳۸۵ ش.
- عامری، علی، «ادله و مبانی ریاست مرد بر خانواده از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی»، *گفتمان فقه و اصول*، ۱۳۹۵، ش ۱، ص ۳۵ - ۱۱، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۵ ش.
- کریمی، محمود و امیرحسین فراستی، «نقد و تحلیل مقاله «عایشه» در دایرةالمعارف قرآن لیدن»، *قرآن پژوهی خاورشناسان*، ش ۲۵، ص ۱۲۴ - ۱۰۵، قم، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمیه، ۱۳۹۷ ش.
- مصباح یزدی، محمدتقی، «منطق فهم قرآن»، *قبسات*، ش ۱۸، ص ۳۵ - ۲۷، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- معتمد لنگرودی، فرشته و فتحیه فتاحی‌زاده، «ارزیابی دیدگاه محمد شحرور در مبانی فهم و تفسیر قرآن کریم»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۹۴، ۶۶ - ۴۵، مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، ۱۳۹۹ ش.
- مؤدب، سید رضا و سید محمد موسوی مقدم، «نقد دائرةالمعارف قرآن لیدن بر اساس آراء و مبانی شیعه»، *شیعه‌شناسی*، ش ۲۳، ۱۴۴ - ۱۰۵، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۷ ش.
- نوری، محمد، «نگارش‌ها و گرایش‌های سیاسی ماوردی»، *حکومت اسلامی*، ش ۲، ص ۲۲۲ - ۲۰۷، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۷۵ ش.

ج) منابع لاتین

- A. Bamyeh, Mohammed, "Patriarchy", *Encyclopaedia of the Qurān*, Jane Dammen McAuliffe, Leiden - Boston, Brill, 2004.
- Ferguson, Kathy E, *Women's Studies Encyclopedia*, Tierney, Helen (ed.), United States, Greenwood Publishing, 1999.
- Green, Fiona Joy, "*Patriarchal Ideology of Motherhood*", *Encyclopedia of Motherhood*, O'Reilly, Andrea (ed.), United States of America, SAGE, 2010.
- Harper, Douglas, *Online Etymology Dictionary*, United States, 2000.
<https://www.etymonline.com/word/patriarchy>
- https://www.sociology.pitt.edu/people/ant_7.
- Liddell, Henry George, *A Greek - English lexicon*, United Kingdom, Publisher Oxford: Clarendon Press, 1940.